

## تأثیر تبرز بر سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و روایات

مریم مسعودی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> پژوهشگر سطح ۴ حوزه علمیه.

### چکیده

این مقاله به تحلیل تأثیرات تبرز، که به معنای خودآرایی و نمایش زیبایی‌ها برای جلب توجه دیگران است، بر سبک زندگی اسلامی می‌پردازد، که به صورت کیفی و با استفاده از تحلیل متون دینی شامل آیات قرآن و احادیث پیامبر و سایر پیشوایان اسلامی انجام شده است. نظریات مفسران و فقها در مورد تبرز و آثار آن بر زندگی فردی و اجتماعی در قالب یک بررسی تطبیقی گردآوری و تحلیل شده است. تحقیق به بررسی دقیق نحوه تفاوت میان تبرز و آراستگی صحیح از منظر اسلامی پرداخته است تا نتایج معناداری در زمینه تبرز ارائه دهد. مهم‌ترین نتایج تحقیق: ۱. تعریف و تبیین تبرز: به عنوان یک رفتار ناپسند و در تناقض با اصول اخلاقی و دینی شناخته شده است، که منجر به کاهش عفت و افزایش تنش اجتماعی می‌شود. ۲. تأثیرات منفی روانی و اجتماعی: تبرز می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس، افزایش فساد اجتماعی و کاستی در تعهدات دینی بیانجامد. ۳. پایبندی به عفت و حیا: آراستگی مدنظر اسلام زمانی مطلوب است که به حدود دینی پایبند باشد و توجهی نامعمول جلب نکند. تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند که برای حفظ کرامت انسانی و تعادل در سبک زندگی اسلامی، پرهیز از تبرز و پیروی از اصول اسلامی ضروری است.

**واژه‌های کلیدی:** آراستگی، پوشش، تبرز، زینت، قرآن

## مقدمه

تبرج یکی از مفاهیم مهم و بحث‌برانگیز در آموزه‌های اسلامی است که به ویژه در زمینه‌های مربوط به پوشش و رفتارهای اجتماعی زنان مطرح می‌شود. این واژه به معنای خودآرایی و جلب توجه دیگران از طریق نمایش زیبایی‌هاست که در متون دینی به عنوان یک رفتار ناپسند و مخالف با ارزش‌های اخلاقی مورد نقد قرار گرفته است. تبرج نه تنها به عنوان یک نگرش شرعی، بلکه به عنوان عاملی تاثیرگذار بر سبک زندگی اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. قرآن کریم به خصوص در سوره‌های احزاب و نور به نحوه پوشش و رفتار زنان مسلمان توجه کرده و آن‌ها را از پیروی رفتارهای خودنمایانه که به دوران جاهلیت شباهت دارد، برحذر داشته است. در جامعه اسلامی، حفظ عفت و کرامت انسانی، ارزش‌های والایی هستند که خودآرایی بی‌پرده و تبرج به نوعی آن‌ها را تهدید می‌کند. از این رو، بررسی تاثیرات تبرج بر سبک زندگی به شناخت بهتر اصول و ارزش‌های اسلام کمک می‌کند. این مقاله با رویکردی جامع به بررسی آثار و پیامدهای تبرج بر زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد؛ از جمله تاثیرات منفی آن بر ابعاد روانی، اجتماعی و حتی اقتصادی. همچنین، به بحث در مورد چگونگی تنظیم مناسبات اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی می‌پردازد تا راهکاری برای حفظ کرامت انسانی و رعایت اصول اخلاقی ارائه دهد. مطالعه تاثیر تبرج بر سبک زندگی اسلامی می‌تواند به فهم بهتر نقش دین در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و فردی کمک کند و جامعه را در مسیر حفظ ارزش‌های اخلاقی و انسانی مزید بر اعتقادات دینی هدایت کند.

## طرح مساله

یکی از مباحث مطرح شده در قرآن «تبرج» است این واژه از ریشه‌ی برج به معنای بروز و ظهور است. (ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۱، ص ۲۲۹؛ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۲۷) اگر زن محاسن چهره و صورت خود را به نمایش بگذارد، می‌گویند خود را آراسته است. (فراهیدی، العین، ج ۶، ص ۱۱۵؛ قرشی، قاموس القرآن، ج ۱، ص ۱۷۴) و در اصطلاح تبرج یعنی آشکار کردن زینت و آشکار کردن چیزی که شهوت مردم را برمی‌انگیزد و آن در راه رفتن خودش جوری راه می‌رود که شهوت مردم را برمی‌انگیزد. (زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳، ص ۲۹۴) مفسرین در مفهوم تبرج می‌نویسند: تبرج آن است که زن روسری خود را روی سراندازد و آن را محکم نسازد به گونه‌ای که گردن‌بند و گوشواره و گردن وی پنهان نماند و همه آشکار گردد. (سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۱۹۷؛ زمخشری، تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۲۵۱؛ الفیومی، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۹؛ مقاتل، اسم کتاب، ج ۳، ص ۴۸۸)، کلمه "تبرج" به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همان‌طور که بُرج قلعه برای همه هویدا است. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۵۶) در قرآن و روایات اسلامی، مفهوم تبرج به طور خاص در ارتباط با زنان و نحوه پوشش و آراستگی آن‌ها مطرح می‌شود. این واژه که از ریشه "بُرج" به معنای ظهور و آشکار شدن است، به آشکار کردن زینت‌ها و زیبایی‌هایی اشاره دارد که ممکن است باعث برانگیختن شهوت دیگران شود. در این راستا، به عنوان رفتاری که در آن فرد به عمد زیبایی‌های خود را به نمایش می‌گذارد، تعریف شده است و در بسیاری از موارد به عنوان عملی ناپسند و مخالف با اخلاق اسلامی معرفی می‌شود. در برخی تفاسیر و کتب فقهی نیز آمده است که تبرج زمانی اتفاق می‌افتد که زنی زینت‌های خود را به طور کامل نشان دهد، به گونه‌ای که دیگران قادر به مشاهده جزئیات بدن او شوند. در مفهوم فرهنگی و اجتماعی، به خودآرایی‌هایی گفته می‌شود که به منظور جلب نظر و جلب توجه در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. این خودآرایی‌ها می‌تواند شامل آراستن مو، لباس، آرایش صورت، و حتی رفتارهایی باشد که هدف آن‌ها جلب نظر دیگران است. در بیشتر موارد، تبرج به خودآرایی‌های افراطی یا زیاده‌روی در نمایاندن زیبایی‌های شخصی اشاره دارد که در برخی از آموزه‌های دینی، به ویژه در دین اسلام، به عنوان رفتاری ناپسند شناخته می‌شود. در قرآن کریم،

در آیات قرآن سفارش شده است که به زنان مسلمان توصیه می‌شود که خود را به گونه‌ای بیارایند که در معرض نگاه بیگانه نباشند و در این فرآیند، تنها برای همسران خود خودآرایی کنند. و از نمایش جاذبه‌های ظاهری خود اجتناب کنند، چرا که این امر ممکن است موجب فریبکاری، آزار اجتماعی یا تضعیف شأن انسانی آنان شود. به همین دلیل، تبرج نه تنها از دیدگاه دینی بلکه از منظر اخلاقی نیز در بسیاری از جوامع، به عنوان یک رفتار ناپسند و حتی مخرب شناخته می‌شود. در بسیاری از جوامع می‌تواند پیامدهای بسیار نادرستی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین تأثیرات منفی آن، اثرگذاری بر معیارهای زیبایی و ایجاد رقابت‌های نادرست در میان افراد است. در جوامع مدرن، رسانه‌ها و تبلیغات اغلب رفتارهای تبرج‌گونه را به عنوان استانداردهای زیبایی به جامعه معرفی می‌کنند، که می‌تواند منجر به عدم رضایت از ظاهر خود در بین افراد شود. هم‌چنین، تبرج می‌تواند به طور غیرمستقیم به شیوه‌ای از زندگی مصرف‌گرایانه تبدیل شود که در آن افراد تلاش می‌کنند تا از طریق خودآرایی‌های ظاهری بر دیگران تأثیر بگذارند. در دنیای امروز، تبرج ممکن است در قالب‌های مختلف خود را نشان دهد. در دنیای مدرن، استفاده از لباس‌های فریبنده، آرایش‌های سنگین و عمل‌های زیبایی به عنوان شیوه‌هایی برای جلب توجه و برجسته کردن زیبایی‌های ظاهری به شمار می‌روند. با این حال، این نوع خودآرایی به طور غیرمستقیم می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس، هویت‌زدایی و مشکلات روانی نظیر اضطراب و افسردگی منجر شود. تبرج به عنوان یک مفهوم اخلاقی، نمایانگر تمایل به توجه‌جویی و برتری‌طلبی از طریق ظاهر است. در این زمینه، می‌توان گفت که تبرج از دیدگاه اخلاقی و دینی به نوعی هدر دادن انرژی‌ها و استعدادها برای جلب نظر دیگران است. این نوع رفتار ممکن است باعث گم شدن ارزش‌های درونی و به حاشیه رفتن توانایی‌ها و ویژگی‌های واقعی فرد شود. این مقاله با توجه به مفهوم گسترده‌ی تبرج درصدد بررسی تأثیر تبرج در سبک زندگی اسلامی می‌باشد که برای این منظور آیات و روایاتی که در این زمینه هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند. آیه اول: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»؛ «و در خانه‌هایتان قرار و آرام گیرید، و آذر میان نامحرم‌ان و کوچه و بازار» مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می‌شدند] ظاهر نشوید». (احزاب: ۳۳) اما این که منظور از جاهلیت اولی چیست؟ ظاهراً همان جاهلیتی است که مقارن عصر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بوده، و به طوری که در تواریخ آمده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنباله روستی‌های خود را به پشت سر می‌انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹۰) در این آیه عدم پیروی بدون علم و آگاهی را نهی کرده است زیرا این کار عواقب بی‌ثباتی را برای انسان بوجود می‌آورد و فردی احمق است که بدون آگاهی از روشی پیروی کرده است حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «از آثار حماقت زیاد، رنگ‌پذیری انسان است». (آمدی، غررالحکم، ج ۲، ص ۴۱۶) و از هر آن‌چه که مظهر خودنمایی است نهی شده است. آیه دوم: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آن‌چه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدران‌شان، یا پدران شوهرانشان، یا پسران‌شان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل‌اند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده‌اند. و زنان نباید

پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آن چه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند [به وسیله نامحرم] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید». (نور: ۳۱)

آیه سوم: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ «و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ و خدا شنوا و داناست». (النور: ۶۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله زنان را از این که از وسط راه بروند نهی کرد و فرمود: «برای زنان در میانه راه نصیبی نیست و نهی کرد از این که زن به هنگامی که از خانه بیرون می‌رود لباس شهرت بپوشد یا خودش را با چیزی زینت کند که صدایش شنیده شود و حضرت زنان مردنما و مردان زن نما (صفت) را لعنت کرد و نهی کرد زنان را از این که جز به ضرورت صدای‌شان را آشکار سازند و آنان را از این که شب در غیر خانه‌های‌شان بمانند نهی فرمود و نهی کرد از این که مرد بر زنان سلام دهد». (بروجردی، منابع فقه شیعه، ج ۲۵، ص ۶۷۳) باتوجه به آیات و روایاتی که مطرح شد علت این که در اسلام دستور پوشش به زنان یافته است این است که میل به خودنمایی مخصوص زنان است، از نظر تصاحب جسم و تن زن شکار است و مرد شکارچی، میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. (مطهری، مساله حجاب، ص ۴۳۶) مواردی که در این آیات و روایات مطرح شده است عبارتند از:

قرار و آرامش در خانه: زنان به ماندن در خانه و حفظ آرامش توصیه شده‌اند. این توصیه به معنای تشویق به حفظ حریم خصوصی و جلوگیری از جلب توجه نامناسب است.

پرهیز از خودنمایی: زنان نباید مانند دوران جاهلیت پیشین برای خودنمایی و نمایش زینت‌های خود در میان نامحرم ظاهر شوند. این رفتار در آن دوران به معنای عدم رعایت حجاب و نمایش زینت‌ها بود.

جاهلیت اولی: به دوران قبل از اسلام اشاره دارد که زنان حجاب مناسبی نداشتند و زینت‌های خود را آشکار می‌کردند. این رفتار به عنوان نمادی از بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی تلقی می‌شد.

فرو بستن چشم‌ها: زنان مؤمن باید چشمان خود را از آن چه حرام است فرو بندند، که به معنای کنترل نگاه و جلوگیری از نگاه‌های ناپسند است.

حفظ عفت: حفظ شرمگاه و عدم نمایش زینت‌ها به جز آن چه طبیعتاً آشکار است، به معنای رعایت حجاب و پوشش مناسب است.

پوشش مناسب: استفاده از مقنعه برای پوشاندن گردن و سینه، که نشان‌دهنده اهمیت پوشش کامل و مناسب است.

استثنائات در نمایش زینت: زینت‌ها تنها برای محارم و افراد خاصی مجاز به نمایش است، که نشان‌دهنده اهمیت حفظ حریم خصوصی و روابط خانوادگی است.

پرهیز از جلب توجه: زنان نباید با راه رفتن به گونه‌ای که زینت‌های پنهانشان آشکار شود، جلب توجه کنند. این توصیه به معنای حفظ وقار و متانت در رفتار است.

زنان مسن و از کار افتاده: این زنان می‌توانند حجاب خود را کنار بگذارند، به شرطی که قصد خودآرایی نداشته باشند. این استثنا نشان‌دهنده توجه به شرایط خاص و نیازهای متفاوت افراد است.

پرهیز از خودآرایی: حتی در این شرایط، پاکدامنی و پرهیز از خودآرایی بهتر است، که نشان‌دهنده اهمیت حفظ ارزش‌های اخلاقی در هر شرایطی است.

### نمونه‌های تبرج

تبرج در پوشش: پوشیدن لباس‌های نازک و تنگ که علاوه بر ایجاد ظاهری خاص، معمولاً با هدف جلب توجه یا نمایش مد و سبک شخصی انتخاب می‌شوند، به گونه‌ای که اغلب در پوشش‌هایی با طراحی‌های برجسته یا چشم‌گیر به عنوان لباس‌های شهرت در جامعه شناخته می‌شوند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بر شما باد پوشیدن لباس‌های ضخیم زیرا کسی که جامه‌اش نازک باشد؛ دینش نازک است». (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۴) پوشیدن لباس نازک و بدن‌نما می‌تواند اثرات مختلفی برای زنان داشته باشد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

جلب توجه نامناسب: لباس‌های نازک و بدن‌نما ممکن است توجه نامناسب و ناخواسته‌ای را از سوی دیگران جلب کند، که می‌تواند منجر به احساس ناراحتی یا ناامنی شود.

تأثیر بر تصویر اجتماعی: نحوه لباس پوشیدن می‌تواند بر تصویر اجتماعی فرد تأثیر بگذارد. لباس‌های بدن‌نما ممکن است باعث شود که دیگران برداشت‌های خاصی از شخصیت یا ارزش‌های فرد داشته باشند.

تأثیر بر روابط اجتماعی: ممکن است بر روابط اجتماعی و حرفه‌ای فرد تأثیر بگذارد، به‌ویژه در محیط‌هایی که پوشش مناسب و حرفه‌ای مورد انتظار است.

تأثیر فرهنگی و مذهبی: در برخی فرهنگ‌ها و مذاهب، پوشیدن لباس‌های بدن‌نما ممکن است با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و مذهبی در تضاد باشد و منجر به قضاوت یا انتقاد شود. در احادیث پوشیدن لباس‌های بدن‌نما منع شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هلاک زن‌های امت من در دو چیز است: یکی جواهرات و دیگری لباس بدن‌نما». (دیلمی، اسم کتاب، ج ۱، ص ۴۷۷) امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «هر کس در دنیا لباس شهرت به تن کند، خداوند در روز قیامت لباسی از آتش به او بپوشاند». (طبرسی، مشکوه الانوار، ج ۱، ص ۶۸۵). «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ «ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد]. این [پوشش] به این که [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک‌تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است». (الاحزاب: ۵۹) در این که منظور از شناخته شدن چیست؟ دو نظر در میان مفسران وجود دارد که منافاتی با هم ندارند. نخست این‌که: در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند، و از آن‌جا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آن‌ها می‌شدند، در این‌جا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. دیگر این‌که: هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند مثل بعضی از زنان بی‌بند و بار که در عین داشتن حجاب آن‌چنان بی‌پروا و لابلایی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آن‌ها جلب می‌کند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۷) بعضی علامت تمدن را به طرز پوشش لباس و کشف و خوراک می‌دانند و این را یک سعادت

می‌دانند که از غرب تقلید کنند و لذا همین تقلیدهای غلط آنان را به مقلد بودن می‌کشاند و یک نوع اسارت را در آنان ایجاد می‌کند. (زمانی، رمز ترقی، ج ۶، ص ۱۰۰) پوشش در اسلام به عنوان یک عنصر کلیدی در سبک زندگی اسلامی شناخته می‌شود که نه تنها تأثیرات مستقیم و قابل توجهی بر فرد و جامعه دارد، بلکه بیان‌گر نگرش اسلامی به مسائلی همچون عفت، اخلاق، هویت فرهنگی، و احترام به شریعت است. در این راستا، پوشیدن لباس‌های نازک و تنگ که بدن را نمایان می‌کند، به‌ویژه برای زنان، از منظر اسلامی مورد نقد قرار گرفته است. این نقد تنها به جنبه‌های ظاهری و اجتماعی آن محدود نمی‌شود، بلکه به اصول اخلاقی، دینی و حتی روان‌شناختی فرد نیز مرتبط است. در قرآن کریم، پوشش نه تنها به عنوان یک دستور فقهی بلکه به عنوان ابزاری برای حفظ عفت و حفاظت از کرامت انسانی معرفی شده است. یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی که در مورد پوشش مطرح است، رعایت حجاب است. آیات مختلف قرآن بر لزوم رعایت حجاب برای زنان تأکید دارند. به‌ویژه آیه ۵۹ سوره احزاب، که در آن خداوند به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که زنان و دختران مؤمنان باید چادر یا پوشش مناسب به تن کنند تا از مزاحمت‌های اجتماعی جلوگیری شود: «ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرم قرار نگیرد. این آیه در حقیقت نه تنها به پوشش ظاهری اشاره دارد بلکه به حفاظت از حریم شخصی، عزت نفس و امنیت اجتماعی زنان نیز تأکید می‌کند. در روایات متعدد اسلامی، پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما نه تنها از نظر ظاهری بلکه از نظر معنوی نیز نهی شده است. در نگاه اسلام، هر نوع لباسی که بدن را نمایان کند و موجب جلب توجه ناخواسته شود، نه تنها از نظر ظاهری بلکه از دیدگاه معنوی و اخلاقی مضر است. این پوشش، به‌ویژه برای زنان، می‌تواند به‌عنوان یک عامل ایجاد تفرقه و فساد در جامعه در نظر گرفته شود. پوشش در اسلام صرفاً یک وظیفه شرعی نیست بلکه بخشی از سبک زندگی اسلامی است که به جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی زندگی مسلمانان مرتبط است. سبک زندگی اسلامی، به‌ویژه در ارتباط با پوشش، اصولی مانند اعتدال، حیا، و عفت را در نظر می‌گیرد. اسلام تأکید زیادی بر اعتدال در تمامی امور زندگی دارد و پوشش نیز از این قاعده مستثنی نیست. برخلاف فرهنگ‌های غربی که در برخی مواقع به‌ویژه در مد روز به پوشیدن لباس‌های تنگ، نازک و بدن‌نما روی می‌آورند، در اسلام پوشش باید به گونه‌ای باشد که بدن را بپوشاند و از توجه ناخواسته جلوگیری کند. به عبارت دیگر، در اسلام پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و بدن‌نما و پوشیدن لباس‌هایی که به سبب رنگ خاص و یا ویژگی دیگر باعث جلب توجه نامحرم می‌شود نه تنها بر روح عفت و حیای فرد تأثیر منفی می‌گذارد بلکه موجب می‌شود که شخص در معرض دید نامناسب قرار گیرد. در سبک زندگی اسلامی، عفت و کرامت انسانی از بالاترین ارزش‌هاست. پوشش مناسب و حجاب به عنوان ابزاری برای حفظ این عفت و کرامت در نظر گرفته می‌شود. رعایت حجاب و پوشش اسلامی ارتباط مستقیم با میزان پابندی فرد به اصول دینی و اخلاقی دارد. در این راستا، پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نما نه تنها موجب آسیب به کرامت انسانی فرد می‌شود، بلکه موجب ضعف در پابندی فرد به آموزه‌های دینی نیز خواهد شد. پوشیدن لباس‌های نازک و تنگ ممکن است در نگاه اول به عنوان یک انتخاب شخصی و مد روز در نظر گرفته شود، اما این انتخاب می‌تواند آثار روان‌شناختی و اجتماعی زیادی به همراه داشته باشد. این آثار نه تنها بر فرد بلکه بر جامعه نیز تأثیرات منفی خواهد داشت. پوشش بدن‌نما، به‌ویژه در زنان، می‌تواند به‌طور مستقیم بر عزت نفس و اعتماد به نفس فرد تأثیر بگذارد. وقتی فردی خود را براساس جلب توجه ظاهری ارزیابی کند، ممکن است احساس کند که بدون این جلب توجه نمی‌تواند در جامعه جایگاه مطلوبی داشته باشد. این احساس ممکن است در بلند مدت به افسردگی، اضطراب و کاهش رضایت از خود منجر شود. در بسیاری از جوامع، پوشش بدن‌نما نه تنها به عنوان ناهنجاری اجتماعی در نظر گرفته می‌شود بلکه می‌تواند باعث ایجاد بحران‌های فرهنگی و اخلاقی شود. از نظر اجتماعی، این نوع پوشش ممکن است موجب جلب توجه‌های ناخواسته و حتی آزار و اذیت از سوی دیگران شود. علاوه بر این، در جوامعی که به اصول فرهنگی و دینی خود پایبند هستند، چنین پوششی می‌تواند باعث طرد فرد از گروه‌ها یا جوامع خاص شود. پوشش اسلامی به عنوان یکی از ارکان اخلاقی و دینی شناخته می‌شود که به حفظ کرامت انسانی و برقراری سلامت فرد و اجتماع کمک می‌کند.

تبرج در زینت: دین اسلام به آراستگی اهمیت زیادی می‌دهد و پیشوایان ما در این زمینه دستورات فراوانی می‌دهند که مسلمانان آراسته باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «ان الله يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ اِذَا خَرَجَ اِلَى اَخْوَانِهِ اَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلَ»؛ «خداوند دوست می‌دارد که چون بنده‌اش به سوی برادرانش بیرون می‌آید، خود را برای آن‌ها آماده و زیبا سازد».

(طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۵) در حدیثی از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد شخصی آلوده چنین آمده است: «ان الله تعالى يُبْغِضُ الْوَسِخَ وَ الشَّعِثَ»؛ «خداوند متعال شخص آلوده و ژولیده را دشمن می‌دارد». (متقی، کنز العمال، ج ۱۷، ص ۱۸۱) آراستگی به معنای داشتن ظاهری منظم، مرتب و زیبا است. این مفهوم می‌تواند به ظاهر فرد، لباس‌ها، مدل مو و نحوه‌ی ارائه‌ی خود اشاره داشته باشد. در اسلام، آراستگی و پاکیزگی مورد تأکید است و به عنوان یک ویژگی مطلوب ذکر شده است، چرا که افراد می‌توانند از این طریق نظافت و پاکیزگی خود را نشان دهند و به‌طور کلی به نوعی از زیبایی و نظم اشاره دارد که در آن فرد به خود احترام می‌گذارد و در عین حال به آداب اجتماعی نیز توجه دارد. اما این آراستگی نباید به گونه‌ای باشد که باعث خودنمایی یا جلب توجه نامناسب شود. و به تبرج منجر شود همان‌طوری که در سوره نور آیه ۳۱ به آن اشاره شده است که در این صورت به عنوان رفتاری ناپسند شناخته شده است و به زنانی اطلاق می‌شود که به طور آشکار زیبایی‌های خود را به نمایش می‌گذارند و فرد در تلاش است تا زیبایی خود را فراتر از حد معمول به نمایش بگذارد این عمل می‌تواند نیت‌های منفی هم‌چون جلب نگاه‌ها و تأثیر بر دیگران را به همراه داشته باشد. در قرآن کریم و روایات به عنوان یک رفتار ناپسند و نهی‌شده معرفی شده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی‌کند و هم‌چنین موی سر و میج [پای] خود را نمایان نمی‌سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد، دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است». (نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۴۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «یکی از گروهی که وارد جهنم می‌شوند زنان بدحجابی هستند که برای فتنه و فریب مردان خود را آرایش و زینت می‌کنند». (متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۸۳) سبک زندگی هر فردی معرف هویت و شخصیت آن فرد است و افرادی که از سبک زندگی دیگران تقلید می‌کنند و مطابق با ارزش‌ها و باورهای خودشان زندگی نمی‌کنند نشانه‌ای از خود باختگی هویتی است. (شریفی، سبک زندگی اسلامی ایرانی، ص ۴۸) کسانی که از هویت و اصالت خودشان فاصله می‌گیرند و با هزینه‌های زیاد انواع و اقسام عمل‌های زیبایی را انجام می‌دهند تا خود را در معرض نمایش مردم قرار بدهند این‌ها زنان متبرجی هستند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «زنان متبرج بدترین زنانند و کسی از آنان به بهشت نمی‌رود». (سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۹۷) در اسلام، اصول زندگی به گونه‌ای است که باید در تمامی جنبه‌های زندگی، از جمله ظاهر و رفتار فردی، هماهنگی با دستورات دینی و ارزش‌های اسلامی وجود داشته باشد. مفاهیم "آراستگی" و "تبرج" در این چارچوب اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند و می‌توانند تأثیرات عمیقی بر سبک زندگی اسلامی داشته باشند. آراستگی در سبک زندگی اسلامی به معنای داشتن ظاهری پاکیزه و مرتب است، که این ویژگی با اصول اسلامی هم‌خوانی دارد. اسلام تأکید زیادی بر نظافت و پاکیزگی دارد و در قرآن و احادیث نبوی، رعایت آراستگی در زندگی شخصی و اجتماعی توصیه شده است. در قرآن کریم آمده است که: «خداوند کسانی را که پاکیزه و پاک هستند دوست دارد». (توبه: ۱۰۸) این بیان اهمیت ویژه‌ای دارد که در هر جنبه‌ای از زندگی، از جمله ظاهر فرد، باید نظافت و پاکیزگی رعایت شود. آراستگی در اسلام علاوه بر بهداشت جسمی، به معنای حفظ وقار و احترام به شخصیت فرد نیز است. در روایات اسلامی آمده است که انسان باید در جامعه به گونه‌ای رفتار کند که نه تنها از نظر ظاهری جذاب باشد، بلکه شخصیت و اخلاق او نیز نشان‌دهنده اسلام باشد که باعث:



۱. حفظ اخلاق اسلامی: آراستگی باعث افزایش اعتماد به نفس می‌شود و فرد را قادر می‌سازد تا در اجتماع حضور مؤثری داشته باشد. از آن‌جا که اسلام تأکید زیادی بر رفتار اخلاقی دارد، داشتن ظاهر آراسته می‌تواند به تقویت اخلاق و رفتار صحیح کمک کند.

۲. احترام به خود و دیگران: آراستگی نه تنها برای فرد، بلکه برای اطرافیان نیز پیامی از احترام به خود و دیگران به همراه دارد. این رفتار نشان‌دهنده نظم و ترتیب در زندگی است که در اسلام به عنوان یک اصل مهم در نظر گرفته می‌شود.

۳. جذب توجه‌های مثبت: آراستگی در حد متعادل، به فرد کمک می‌کند تا توجه مثبت دیگران را جلب کرده و در عین حال از نگاه‌های منفی یا قضاوت‌های غیرضروری جلوگیری کند. و تبرج اثرات خیلی بدی در زندگی دارد از جمله:

الف. نفی حیا و عفت: در اسلام، حیا و عفت به عنوان دو ویژگی برجسته در شخصیت فرد مسلمان معرفی شده‌اند. تبرج باعث می‌شود که فرد نه تنها از اصول حیا و عفت فاصله بگیرد، بلکه در معرض جلب توجه‌های ناخواسته و قضاوت‌های منفی قرار گیرد.

ب. افزایش فتنه و فساد اجتماعی: تبرج می‌تواند موجب ایجاد فتنه و فساد اجتماعی شود. وقتی افراد، به‌ویژه زنان، زیبایی‌های خود را به‌طور افراطی و در معرض دید عموم قرار می‌دهند، ممکن است تحریکات جنسی یا نگاه‌های نامناسب از سوی دیگران ایجاد شود که نتیجه آن می‌تواند بر وحدت اجتماعی و آرامش جامعه تأثیر منفی بگذارد.

ج. نقض هنجارهای دینی و اجتماعی: تبرج برخلاف آموزه‌های اسلام است که بر پوشش و رفتار متواضعانه تأکید دارد. در قرآن کریم، زنان مسلمان به رعایت حجاب و پوشش مناسب دستور داده شده‌اند تا از نگاه‌های نامحرم دور بمانند. (نور: ۳۱) تبرج به‌ویژه در جوامع اسلامی که حساسیت بیشتری نسبت به حفظ هنجارهای دینی دارند، به عنوان نقض این دستورات تلقی می‌شود.

د. آسیب به روابط اجتماعی: تبرج می‌تواند باعث ایجاد سوءتفاهم و قضاوت‌های منفی از سوی دیگران شود. این رفتار می‌تواند موجب تنش‌های اجتماعی، انزوا یا حتی طرد فرد از جامعه یا خانواده گردد.

ر. تأثیرات منفی بر روحیه فردی: تبرج ممکن است موجب کاهش عزت نفس فرد شود، زیرا به جای آن‌که فرد از درون خود احساس رضایت کند، به جلب توجه دیگران به ظاهر خود وابسته می‌شود. این وابستگی به نگاه‌های خارجی ممکن است فرد را از رشد شخصی و معنوی بازدارد.

ز. دور شدن از دستورات دینی: در دراز مدت، تبرج می‌تواند فرد را از اصول دینی دور کند و باعث انحرافات اخلاقی و معنوی گردد. در قرآن و حدیث، پیامدهای منفی خودنمایی و تبرج ذکر شده است که می‌تواند باعث کاهش معنویت فرد و مشکلات اجتماعی شود. آراستگی و تبرج دو پدیده متضاد هستند که تأثیرات متفاوتی بر سبک زندگی اسلامی دارند. آراستگی در چارچوب اسلامی می‌تواند نشانه‌ای از نظافت، احترام به خود و دیگران و حفظ اخلاق و وقار باشد، در حالی که تبرج به‌ویژه در دنیای مدرن می‌تواند مشکلات اجتماعی، اخلاقی و حتی روحی زیادی به دنبال داشته باشد و معمولاً با خرید لباس‌ها و لوازم آرایشی گران‌قیمت همراه است که می‌تواند فشار مالی زیادی بر فرد وارد کند و ممکن است شامل جراحی‌های زیبایی باشد که هزینه‌های بسیار بالایی دارند. هزینه‌های بالای مرتبط با تبرج ممکن است فرد را به سمت بدهی و مشکلات مالی سوق دهد. فشار مالی ناشی از تبرج می‌تواند باعث ایجاد تنش در روابط خانوادگی و اجتماعی شود. برای داشتن یک سبک زندگی اسلامی سالم و متوازن، فرد باید میان آراستگی و تبرج تفاوت قائل شود. آراستگی باید به‌گونه‌ای باشد که نه تنها به ظاهر فرد احترام



بگذارد بلکه در نهایت موجب حفظ اخلاق و اصول دینی شود، در حالی که تبرج باید از رفتارهای خودنمایی افراطی اجتناب کند تا بتواند در جامعه اسلامی، با حفظ عفت و حیا، حضور داشته باشد.

تبرج در رفتار: تبرج در رفتار به معنای نشان دادن ویژگی‌های فردی یا رفتاری است که فرد برای جلب توجه یا برجسته کردن خود در اجتماع یا گروه‌های خاص انجام می‌دهد. این نوع تبرج ممکن است شامل خودنمایی، به کار بردن زبان بدن خاص، باشد. در سوره نور آیه ۳۱ بیان می‌کند: «زنان موقع راه رفتن پاهایشان را بر زمین نکوبند. رسول خدا ﷺ از این که زن دوپایش را به زمین بکوبد تا صدای خلخالش که برپای دارد، به گوش مرد نامحرم برسد و زینت‌های پنهانش آشکار شود، نهی فرمود». (ابن حیون، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۳)

از مواردی که تبرج در رفتار شمرده می‌شود؛ تبختر است یعنی راه رفتن زن به صورت اهیباخاً باشد به این صورت که وقتی در معرض دید نامحرمان راه می‌رود بگویند اوه خدای من. (صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۳، ص ۳۳۳) در این جا تبرج به عنوان رفتاری تعریف می‌شود که زن برای جلب توجه نامحرمان و نمایش خود به طور غیرمعمول و اغراق‌شده رفتار می‌کند. یکی از ویژگی‌های بارز تبرج، جلب توجه است. راه رفتن زن به صورت "اهیباخاً" (یعنی با تکبر و غرور) به نوعی در معرض دید نامحرمان قرار می‌گیرد. این نحوه راه رفتن، که می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از تبختر باشد، مستقیماً در تبرج و جلب توجه دیگران مؤثر است. وقتی زن با رفتار و حرکات خاص خود، که در این جا به "اهیباخاً" یا به طور غیرطبیعی در معرض دید قرار گرفتن اشاره شده، به نمایش می‌گذارد به طور مستقیم به تبرج منتهی می‌شود. در متون دینی، به ویژه در قرآن و احادیث اسلامی، تبرج نهی شده است، زیرا این رفتار به نوعی جلب توجه به خود و نمایاندن زیبایی‌ها و ویژگی‌ها در برابر دیگران است که ممکن است موجب فساد اجتماعی یا اخلاقی شود. از این دستور می‌توان فهمید که آنچه موجب توجه مردان می‌گردد: مانند استعمال عطرهای تند و آرایش‌های چهره که جلب توجه می‌کند ممنوع است، به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری کند که موجب تحریک و توجه مردان نامحرم شود. (مطهری، مساله حجاب، ص ۱۶۱) یکی دیگر از موارد تبرج "لمز" است به معنای غمز به این صورت که یکی از چشمانش را بستن (چشمک) است. غمازه به زنی گفته می‌شود که با اعضایش غمز می‌کند. این رفتار در زنان می‌تواند در قالب رفتارهای خاصی مانند چشمک زدن، بازی با مژه‌ها، یا استفاده از حرکات خاص بدنی برای جلب توجه مردان یا نامحرمان بروز پیدا کند. از نظر دینی، این نوع رفتارها به دلیل جلب توجه نامحرمان به فرد و تحریک احساسات جنسی آنان ناپسند و گناه‌آلود در نظر گرفته می‌شود. غمز یا چشمک زدن، به ویژه اگر به طور آشکار و هدفمند انجام شود، می‌تواند نشانه‌ای از تلاش برای جذب نگاه‌های ناپسند یا ایجاد فریب در دل دیگران باشد. این رفتار در نظر بسیاری از فقها و متفکران اسلامی، نوعی تبرج است که باید از آن پرهیز شود. (صاحب بن عباد، اسم کتاب، ج ۹، ص ۶۱) در حقیقت، شیطان در قرآن کریم و در احادیث اسلامی به عنوان موجودی معرفی می‌شود که تلاش می‌کند زیبایی‌های گناه را برای انسان‌ها جذاب و دلپذیر جلوه دهد تا از مسیر صحیح الهی منحرف شوند. این همان چیزی است که در آیهی «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ»؛ (انفال: ۴۸) آمده است. شیطان از این راهکارها استفاده می‌کند تا انسان‌ها را به گناه تشویق کند، غمز و تبرج هم یکی از این روش‌هاست. زینت دادن شیطان عمل آدمی را به این است که بوسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است، و در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلباً آن را دوست می‌دارد، و آن قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن تعقلی کند. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۲۷) در آیهی ذکر شده، شیطان اعمال انسان‌ها را به گونه‌ای زیبا و جذاب به نظر می‌آورد تا دل انسان‌ها را به آن‌ها مشغول کند. این همان فرآیند زینت دادن اعمال است که در دین اسلام به شدت مورد نهی قرار گرفته است. به عبارت دیگر، شیطان تلاش می‌کند تا فرد گناه را به شکلی ببیند که آن را صحیح و زیبا تلقی کند. در این راستا، چشمک زدن، استفاده از بدن و صورت برای جلب توجه، یا سایر رفتارهای مشابه می‌تواند در ذهن فرد، حتی به

صورت ناخودآگاه، به عنوان رفتارهایی «مطلوب» و «جذاب» تلقی شود. این در حالی است که در واقعیت این رفتارها نه تنها زیبایی حقیقی ندارند، بلکه از نظر دینی و اخلاقی زیان‌بار هستند و می‌توانند انسان را از مسیر رشد معنوی و روحانی دور کنند. یکی از دیگر رفتارهای ممنوعه، خوشبو کردن بدن برای نامحرمان است. این عمل ناپسند، همانند دیگر رفتارهای تبرج، به نوعی باعث جذب نگاه‌های نامحرمان و تحریک احساسات آنان می‌شود. این رفتار همچنین از نظر دینی به‌عنوان عملی که برخلاف اصول عفت و پاکدامنی است، محسوب می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر زنی که خود را برای غیرشوهرش خوشبوگرداند، هیچ نمازی از او پذیرفته نمی‌شود تا وقتی خودش را از خوشبوکننده‌ای که به کار برده کامل بشورد آن گونه که از جنابت خود غسل می‌کند. (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۰)» «... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲) در این آیه، خداوند به زنان دستور می‌دهد که هنگام صحبت کردن با مردان نامحرم، صدای خود را به گونه‌ای نرم و تحریک‌آمیز نکنند، زیرا این نوع صحبت می‌تواند افراد را به سوی گناه و فساد سوق دهد. به عبارت دیگر، این نوع سخن گفتن باعث می‌شود که فرد در دل خود گمان کند که آن رفتار شایسته است و ممکن است در نتیجه به گناه بیافتد. علاوه بر این، نازک کردن صدا و صحبت کردن با کرشمه می‌تواند از نظر اجتماعی نیز باعث ایجاد سوء تفاهم و روابط نادرست میان مردان و زنان شود. در حقیقت، این نوع رفتارها به ارتباطات ناخواسته، جذابیت‌های غیرضروری، و در نهایت به تضعیف ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌انجامد. پس مشخص می‌شود که نازک کردن صدا و باکرشمه صحبت کردن نیز تبرج است و از تقوای الهی به دور است. دین اسلام تلاش می‌کند که همه‌ی انسان‌ها زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و به طرف خوشبختی و سعادت در حرکت باشند و از هر چیزی که باعث مانع در خوشبختی می‌شود به انسان‌ها گوشزد می‌کند و به طور کلی بر رعایت عفت، پاکدامنی، و توحید در رفتارها تأکید دارد. هدف از دستورات دینی در این زمینه‌ها این است که انسان‌ها از رفتارهایی که ممکن است به فساد، انحراف، و آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی منجر شود، خودداری کنند. تبرج به هر شکلی، چه از طریق حرکات بدن، چه از طریق جلب توجه با صدا و صحبت‌های خاص، و چه از طریق خوشبو کردن بدن برای غیر شوهر، به نوعی تلاش برای جلب نظر دیگران و نمایش خود است که از نظر دینی ناپسند است و بر روحیه فرد و جامعه آسیب می‌زند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی جامع موضوع تبرج و تأثیرات آن بر سبک زندگی اسلامی پرداخته شده است. تبرج به معنای خودآرایی و نمایش زیبایی‌ها به منظور جلب توجه نامحرمان، رفتاری است که در متون دینی به شدت ناپسند و مضر شناخته می‌شود. این رفتار می‌تواند تأثیراتی عمیق و منفی بر فرد و جامعه داشته باشد که در این جا به تفصیل بررسی شده‌اند: ۱. تعریف و ماهیت تبرج: تبرج شامل رفتارهایی مانند نمایش زینت‌ها، خوشبویی بدن برای نامحرمان و تغییر صدا برای جلب توجه است. این رفتارها می‌توانند احساسات و توجهات نامناسب افراد را جذب کنند. ۲. دستورالعمل‌های دینی: در قرآن و روایات به صراحت از زنان خواسته شده که از نمایش زیبایی‌های خود به نامحرمان اجتناب کنند. آیاتی از سوره‌های احزاب و نور تأکید بر رعایت حجاب و الگوهای رفتاری مناسب دارند. ۳. پیامدهای اجتماعی و فردی: فساد اجتماعی: تبرج می‌تواند موجب تحریک جنسی و جلب توجه نامناسب شود که در نهایت به تضعیف نهاد خانواده و جامعه می‌انجامد. کاهش اعتماد به نفس و انحراف هویت: افرادی که به دنبال جلب توجه دیگران از طریق تبرج هستند ممکن است اعتماد به نفس خود را بر اساس تأیید دیگران تعریف کنند، که این می‌تواند به تضعیف هویت واقعی آن‌ها بینجامد. کاهش تعهدات دینی: گرایش به تبرج می‌تواند باعث دوری افراد از اصول دینی و اخلاقی شود و به انحرافات اخلاقی دامن بزند. ۴. تفاوت میان آراستگی و تبرج: در اسلام، آراستگی و نظافت مورد تشویق قرار گرفته اما به شرطی که این آراستگی به منظوری چون جلب توجه نباشد، بلکه در محدوده‌های

اخلاقی و دینی باقی بماند. ۵. ضرورت پرهیز از خودنمایی: دستورالعمل‌های دینی به‌ویژه درباره زنان، بر پرهیز از خودنمایی و حفظ عفت تأکید دارند. این الزام نشان می‌دهد که دین چقدر بر ارزش‌های اخلاقی و حفظ حریم‌های شخصی تأکید می‌کند. در نهایت، این مقاله به این نتیجه می‌رسد که تبرج نه تنها به آسیب‌های فردی و اجتماعی منجر می‌شود، بلکه ارزش‌های اخلاقی و دینی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از این‌رو، برای حفظ سبک زندگی اسلامی متعادل و سالم، پرهیز از تبرج و پایبندی به اصول حیا و عفت ضروری است. آراستگی باید به حفظ و نمایش ارزش‌های درونی و اجتماعی یاری رساند، نه این‌که وسیله‌ای برای خودنمایی و جلب توجه باشد.

## منابع

\* قرآن (ترجمه حسین انصاریان)

۱. الفیومی، الامام احمد بن علی المغربي، **مصباح المنیر فی غرب الشرح الکبیر**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
۲. آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم**، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳. ازدی بلخی، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن شبیر، **اسم کتاب**، بیروت: دار الاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۴. ابی بکر، عبدالرحمن، **الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: مکتبه مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن حیون، نعان بن محمد، **دعائم الاسلام**، قم: موسسه آل بیت لاحیاء التراث، ۱۳۸۳ ق.
۶. ابن عباد، اسماعیل (صاحب)، **المحیط فی اللغة**، بیروت: عالم الکتاب، ۱۴۱۴ ق.
۷. بروجردی، حسین آقا، **منابع فقه شیعه**، (مترجم: عده‌ای از فضلا)، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶ ق.
۸. زمخشری، محمود بن عمر، **تفسیرالکشاف عن حقیقه غوامض التنزیل**، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۹. زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهرالقاموس**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. زمانی، مصطفی، **رمز ترقی**، قم: انتشارات پیام اسلام، چاپ ششم، ۱۳۶۹ ش.
۱۱. سیوطی، جلال الدین، **الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: بی‌جا، بی‌تا.
۱۲. شریفی، احمد حسین، **سبک زندگی اسلامی ایرانی**، قم: انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۹۴ ش.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، قم: موسسه النشرالاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان**، (مصحح: هاشم رسولی)، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. طبرسی، علی بن حسن، **مشکوٰۃ الانوار**، (مترجم: عبدالله محمدی و مهدی هوشمند)، قم: دارالثقلین، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، قم: الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، ، **تفسیرالمیزان**، (مترجم: محمدباقر موسوی)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. قرشی، سیدعلی اکبر، **قاموس القرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. قزوینی، احمد بن فارس، **معجم مقایس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، قم: موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، قم: انتشارات الاسلامیه، ۱۳۳۷ ق.
۲۲. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیرنمونه**، (بقلم: جمعی از نویسندگان زیر نظر ناصر مکارم شیرازی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۲۴. مطهری، مرتضی، **مساله حجاب**، قم: انتشارات صدرا، ۱۲۹۸ ش.
۲۵. متقی، علی بن حسام الدین، **کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال**، بیروت: بی جا، ۱۴۱۹ ق.
۲۶. نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، قاهره: المکتبه المصریه، ۱۴۲۰ ق.